

راه حل ایران برای مسأله افغانستان: صدور انقلاب اسلامی "طراز نوین"

در راهی شماره ۱۰۸ مقالای پیرامین مسألات
ایران و نیروهای جهانی منتشر کردیم و طی آن اظهار
داشتیم که بنابر ماهیت رژیم و شرایط ویژه ، در حال
حاضر هم شعوری و هم امریکا به رژیم ایران به عنوان
انتخاب دوم خود نگاه میکنند . این نیروها هر یک
در عین حال که از بوجود آمدن و رشد انتخاب
بهتری برای خود استقبال میکنند معینا تا آن زمان
از رژیم کنونی حمایت کرده و یا حداقل سعی در بر-

راه حل ...

انداختن آن نمیکنند و نیز هر یک میکوشند با مانورهای مختلف گرایش‌های درونی رژیم بنفع خود را تقویت نمایند. وقایع اخیر نشان میدهد که تحولاتی در این زمینه در شرف وقوع است:

۱- صادرات رئیس جمهور معدوم هر چند روز قبل از مرگش رسماً اعلام میکند که مجاهدین افغانی در هر تعلیم نظامی سپینند و در همین حال اظهار میدارد که امریکا سلاح‌های ساخت شوروی موجود در حصر را با قیمت خوب برای مجاهدین افغانی خریداری میکند. در اصل مسئله کسی تردیدی نداشت ولی اعلام رسمی آن از طرف فردی که در وابستگی به امریکا تردیدی نیست بسیار تعجب‌آور مینماید. همان زمان مشخص بود که این اعلام رسمی هدفی را در پشت سر دارد و احتمالاً بخاطر در محظور قرار دادن نیروهای است که هنوز ماهیتشان روشن نبود.

۲- دو هفته پیش ریگان رئیس جمهور امریکا بدون رودربایستی از نقش کارتر در سقوط رژیم شاه انتقاد میکند. این مسئله نیز - یعنی توافقیهای اسپرالیسم با قدرتمندان کنونی (قبل از انقلاب) - بر کسی پوشیده نیست و مذاکرات هویروز، بازرگان، بهشتی، به نیابت از جانب خصمی معروف هنگان است. اما آنچه در بحر نتیجه بود این بود که این امر را جبران ریگان بطور رسمی اعلام میکند. کارتر دیگر کسی نیست و گریه‌ی مرده را کسی خوب نمیزند. هدف بنا بر این، کارتر نیست. هدف کسانی هستند که مورد مذاکره کارتر بودند: رژیم ایران.

۳- بقاصله‌ی چندروز نیوزویک ۲۶-۱۹ اکتبر (۲۷ مهرماه - ۱۹ آبان) خبر زیر را نوشت:

"ایران قصد دارد که افغانستان را آزاد کند. ممکن است بزودی ایران برنامه‌ی ویژه‌ی خود را برای خاتمه دادن به اشغال افغانستان توسط شوروی اعلام دارد. بنا بر گزارش منابع دیپلماتیک ایران قرار است که از سکو دعوت کند که نیروهای خود را پس بکشد. در صورت توافق شوروی نیروهای ایران و کشورهای دیگر همسایه

بطور موقت برای حفظ صلح وارد افغانستان میشوند تا اینکه یک دولت جدید تشکیل شود. بعضی از ناظرین معتقدند که شوروی از راه حل ایران استقبال خواهد کرد. این امر باعث خواهد شد که تلفات شوروی کاهش یابد و در عین حال افغانستان بدست غرب نیفتد. رهبران رژیم ایران معتقدند که در افغانستان یک رژیم جمهوری اسلامی مورد قبول شوروی تشکیل خواهد شد زیرا این جمهوری از غرب و شرق مستقل خواهد بود."

این خبر بسیار مهم نشان میداد که منابع جاسوسی غرب از مذاکرات پنهانی ایران و شوروی و توافقیهای در پشت پرده باخبر شده اند و به همین علت چراز چندسال اشغال افغانستان تازه به این صراحت افتاده اند که رسماً اعلام کنند که مجاهدین افغانی وابسته به آنها هستند! خشم آقای ریگان و حمله‌ی معنی دار به رژیم ایران (که ما شما را بر سر کار آوردیم) نیز قابل فهم بود.

۴- آقای رضنجانی در نماز جمعه‌ی اول آبان هنگامیکه امت سلمان شعار مرگ بر امریکا، مرگ بر شوروی را میداد متذکر میشود که در این مرحله شعار مرگ بر امریکاست و این در حالی است که

سانسور شدن شعار "مرگ بر شوروی" را گه در دنالهی شعار مرگ بر امریکا از طرف "وظایف محترم سراسر کشور" که برای دیدن چند قطره اشک زهری امام امت به جباران شناساقتی بودند - ایراد میدهد. در این شوی تلویزیونی از چشم کسی پوشیده نماند. این امر بدون هیچگونه تردیدی مشخص میساخت که مسئله‌ی در پشت پرده در حال وقوع است.

۵- در هفته‌ی گذشته بطور موثق مطلع شدیم که یک هیئت عالی‌رتبه‌ی نظامی شوروی (که به احتمال زیاد وزیر دفاع شوروی سرپرست آن بوده است) سفیرانه به ایران آمده است. مسلم شد که توافقیها به آخرین مرحله‌ی خود رسیده اند ولی "منت همیشه در صحنه"ی ایران هنوز از جریان مطلع نیست. تا

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

اینکه:

[۶] ناگهان در تاریخ ۶/۸/۶۰ آقای موسوی وزیر خارجه (قبل از رای تأیید مجلس به نخست وزیری اینان) مانند اینکه ناگهان به وی الهامی شده است در یک صاحبی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اعلام میکند که:

* ما ضمن مخالفت با تمامی این طرحها (طرح های دیگران در مورد افغانستان کنگویا قصد به همان کشیدن کشورهای اروپائی و امریکائی را داشته اند) دوباره اعلام میکنیم که تنها راه حل افغانستان تشکیل دولتی اسلامی و ضد امریکائی ((و یا عزیزان نیز بزرگ "مرد قبول شو روی ۳)) است و این طرح ((طرح ایران)) نیز با توجه به شرایط این کشور ترکیب جمعیت عظیم و اشتراکات دینی ما با آنها و اهمیتی که این مسئله برای تمام کشورهای اسلامی دارد تهیه و تدوین شده است (اطلاعات ۶۱ آن بان ۱۳۶۰)

بدین ترتیب معلوم شد که نه تنها شایع جاسوسی غرب از مسائل با دقت و از مدت ها پیش باخبر شده بودند بلکه مردم آن جوامع نیز خود تراز* است همیشه در صحنه* از آنها مطلع شدند. این مسئله بهر حال حادثی بسیار صعبی است که حکایت از بسیاری مسائل پشت پرده میکند.

این "راه حل" بهر حال امتیازاتی برای رژیم های درگیر دارد که قابل توجه است.

مسئله افغانستان برای شوروی از چند جانب معظوره اتی ایجاد کرده است. پس از قریب چهار سال از کودتا و سپس اشغال نظامی این کشور ثابت شده است که اگر مسئله به همین صورت ادامه یابد پایان قضیه معلوم نیست. رژیم کارمل موفق نشده است که خود را تثبیت کند و بعنوان یک رژیم دست نشانده تلقی میشود. نه تنها سلطنتیان بلکه عدهی کثیری از نیروهای ملی نیز به شوروی به عنوان یک نیروی شریک میگردند. این نیروهای اخیر بعلت حمایتی که از جانب رژیمهای ایران و پاکستان از سلطانان میشود عملاً تحت هژمونی آنها قرار گرفته اند. امکانات وسیع پشت جبهه میاهدیسن

(در ایران و پاکستان) عملاً امکان ریشه کن کردن آنها را توسط شوروی از بین برده و آینده را بگلی ناروشن ساخته است. بیاد آورده شود که هنگام وقوع کودتا در افغانستان هم رژیم ضیاء الحق ناستوار سر از وضع فعلی بود و هم در ایران رژیم جمهوری اسلامی در ایران هر دو عواملی بودند که به ویژه امکانات میاهدین افغانی افزودند.

نه تنها اداهای جنگ در خود افغانستان مسائل بهشتاری برای شوروی آورده است و نه تنها اداهای این وضع الهی غیرالتهاییه برای شوروی مقبول نیست بلکه اداهای اشغال افغانستان آ. به آسیا - تبلیغات ضد شوروی وسیعی در سطح جهانی ریخته و بیانهی سیاسی بدست امریکا داده است. امروزه اکثر کشورهای در جهان است (البته غیر از وابستگان مستقیم شوروی) که این اشغال را محکوم نکرده باشد. این امر بخصوص در روابط اروپا و شوروی نیز تأثیر داشته و به امپریالیسم جهانی مجوزی برای تسلیح بیشتر علیه شوروی داده است.

و فوج یاره ای رویدادها در کشورهای وابسته به شوروی (مانند لهستان) و چشم انداز ضرورت اشغال نظامی این کشور توسط شوروی نیز مسائل را پیچیده تر کرده است. همگی این عوامل موجب میشوند که شوروی راه حلهائی مانند "راه حل ایران" را برای خروج از محضه مورد تامل جدی قرار دهد و هتس اینطور که شواهد حکم میکند دو رژیم در توقع با هم آنرا "تبه و تدوین" کرده باشند.

البته این سؤال پیش خواهد آمد که سر نوشت برون کارمل و "کمیته های افغانی چه میشود. اگر کسی تصور کند که این مسئله در محاسبات شوروی میگذرد نه از سیاست جهانی شوروی اطلاع دارد و نه حتی از تاریخ اخیر ایران. یادآوری سکوت و تأتید شوروی از حکومت کودتائی شاه - زاهدی در ایران درست در زمانی که کمیته های ایرانی گروه گروه به جوخه اعدام سپرده میشوند خالی از فایده نیست. لازم نیست حتی حوادث کشتار کمیته ها در عراق و هر یادآوری شود. ایران

پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی

کافی است. بهرحال تردیدی نیست که توافقاتی روی کفشد برای همزیستی صلحآمیز سلطنتیان و کمونیستها بعمل خواهد آمد و محتمل نیز هست که در صورت اجرای طرح عملا نیز ماجرای اتلای خط امامی - تودمای خودمان لااقل برای مدتی در افغانستان انجام شود. بقول آقای موسوی خلیلی چیزها در ایران و افغانستان شباهت است.

نوامی که رژیم ایران از این طرح صیرد بسیار زیاد است. خواب ادامه "انقلاب اسلامی" و "صدور" آن به یک کشور دیگر بگردن تردید هوش از سر بیرون خط امام میراید. این امر در محاسبات آنها عامل بزرگی در تثبیت خود رژیم اسلامی در ایران خواهد بود که البته در صورت اجرای تاثیر نیست.

مسئله دیگری کک هائی است که شعری درخامه جنگ ایران و عراق به ایران خواهد کرد. رژیم ایران خوب میدانند که با وجودی که این جنبه فوایدی برایش دارد معینا نه میتواند بدون چشم انداز ادامه یابد و نه اینکه علیهم همه میاهو هاو دروغ ها رژیم ایران قادر به پس گرفتن زمینها است. کک شعری چه بصورت وادار کردن عراق به عقب نشینی باشد و چه بصورت کک رساندن به ایران، از جانب رژیم ایران، مانده ای آسانی است و همان است که در احادیث بصفترا آمده.

این مسائل زمانی مطرح میشوند که وضع رژیم ایران از لحاظ اقتصادی بخصوص در ریاضت عمر است. ضایع ارزی کشور به انتهای خود نزدیک شده. کسر بودجه بصورت فح کفنده درآمده است. اگر اضافه نفت خام موجود در جهان در چند ماه گذشته امکان فروش نفت ایران را کم میکرد و اگر امتناع زاین از خرید نفت ایران مزید بر علت بود. بشاران تلمبه خانسی جزیره خارك امکان صدور میزان قابل توجه نفت را به حداقل رسانده و رژیم را دچار تشویش کرده است. امکانات رژیم در افزایش مالیاتها (واژ نظر سیاسی نامطلوب) است و این ارز را حل نمیکند. در این زمینه نیز همسایه شمالی با همه ی الحادش میتواند بسیار کک کننده باشد. بالاخره در احادیث راجع به کک طحیدین به اسلام شواهدی هست که میتواند شناختسوا قرار گیرد.

اینها البته همه یک جانب مسئله هستند. طه اکرات دولت ها و قرار و مدارها و "تنبیه و تدبیر" راه حلها (بقول آقای موسوی) یک جانب قضیه هستند و واقعیات سخت زمینی جانب دیگر و اینها همیشه باهم نمیخوانند. بروسه سرنگونی رژیم ایران با بروسه ناززار جدید سیاسی اش نامدتهای طولانی میتواند دوشادوش پیش روند تنها

آنگه در متن جامعه اتفاق میافتد: واقعیات اقتصادی و میزان مازرات توده های مردم و نیروهای سیاسی است که سرنگونی را همین میکند. بودن یا نبودن هیچ رژیم صحنوم نیست. تعیین کننده ماززه است. شدت آن، کیفیت آن، و استفاده درست از شرایط موجود. رژیم برای ادامه ی حساب خود "صحنوم" را بخدمت اسلام میآورد، امیرالیم برای جلب رژیم اسلامی و مخالفش با "طحیدین" طرح های دیگری میریزد. در این مان آتیسه برای این یا آن رژیم حیات و موات را تعیین میکند مازرات توده هاست. هم قدر مطلق ماززه و هم برنامه و شی آن.

فامه زنا ان

مادر.
آزارم مدهد مادر
وقتی که دیستان بدیدم آمدند و
رانشتم که تو گریه میکنی.
مادر. حرفم را باور کن.
زیبائی زندگی. درانتها.
در زندانم. توند یاته است
و حرفم را باور کن. مادر.
که آخرین ملاقاتی من
پونده سیاه بد خیر نخواهد بود.
روز خواهد بود.
روز خواهد بود.

صعق القاسم (شاعر فلسطینی)